



روایت یک نماینده مجلس از ترکیب طلایی ظریف -لاریجانی

تردیدهای آقای فیلسوف

گروه سیاست: روز گذشته یک نماینده سابق و یک نماینده فعلی به استقبال آمدن لاریجانی رفتند، البته تنها نه، بلکه با ظریف و گفته‌اند او اگر منافع ملی را در خطر ببیند برخلاف میل باطنی‌اش خواهد آمد. این یعنی به نظر می‌رسد لاریجانی هنوز برای...

صفحه ۳

پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۹ • ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ • ۷ ژانویه ۲۰۲۱

تیتراها

روایت اختلافات هاشمی و مصباح

صفحه ۳

گفت‌وگوی «شرق» با خانواده ۲ نفر از قربانیان سانحه هواپیمای اوکراینی

صفحه ۹

یک زن همراه قاضی منصوری بوده است

صفحه ۳

چالش قفس توری

صفحه ۱۱



محسن رنانی مطرح کرد

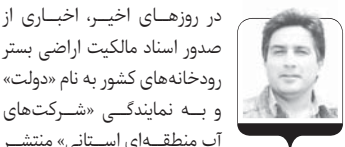
ایران درگیر انسداد تعاملی شده است

صفحه ۵

حرف اول

صدور غیرقانونی اسناد مالکیت بسترودخانه‌ها

مصادق جمالی



در روزهای اخیر، اخباری از صدور اسناد مالکیت اراضی بستر رودخانه‌های کشور به نام «دولت» و به نمایندگی «شرکت‌های آب منطقه‌ای استانی» منتشر شد. موضوعی مهم و شاید مهم‌ترین موضوع زیست‌محیطی کشور در دهه‌های گذشته و از زمان آغاز دوره قانون‌گذاری معاصر در حوزه آب کشور که در میانه اخبار پراکنده و البته شرایط خاص حاکم بر کشور به‌واسطه فراگیری بیماری کرونا از چشم‌ها پنهان ماند. این نوشتار، ضمن پرهیز از ورود به بررسی ابعاد و تبعات اجتماعی و زیست‌محیطی این اقدام - که خود بررسی جداگانه‌ای را می‌طلبد - از منظر حقوقی به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا امکان صدور سند رسمی بستر رودخانه‌ها به نام دولت وجود دارد؟ به نظر می‌رسد صدور این اسناد فاقد وجاهت قانونی بوده و مستندات صدور آنها، دو مصوبه هیئت دولت، مربوط به اموال دولتی است که امکان تنظیم سند رسمی با استناد به آنها برای اموال و مشرکات عمومی از جمله بستر رودخانه‌ها وجود ندارد. دو مطلب متذکر می‌شود. اول؛ این اسناد، هرچند مورد نقد فنی هم هستند زیرا به بیان برخی کارشناسان مستقل محلی، حد جانیایی بستر رودخانه، بیشتر از استانداردهای مربوطه است، ولی در متن حاضر، تمرکز بر مباحث فنی نبوده و به اساس موضوع یعنی ماهیت حقوقی صدور اسناد رسمی ببه نام دولت می‌پردازد.

ادامه در صفحه ۲

بازگشت همه به سوی اوست

خانواده محترم امینی‌نظری و یاریقلی

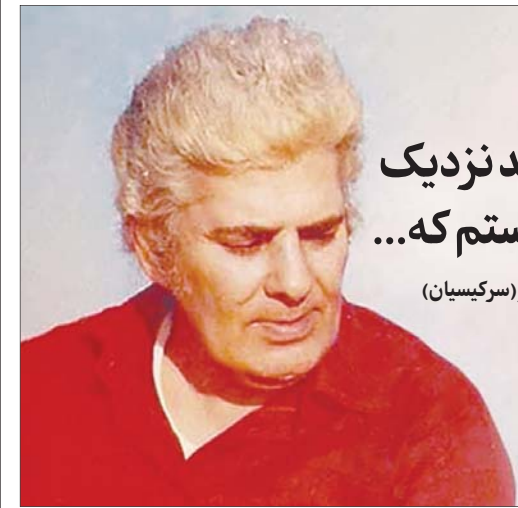
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم، برای آن مرحوم غفران و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.

خانواده امیرمظاهری

پیام روحانی به بایدن

روحانی در جلسه هیئت دولت: بگویند دیگر شیشه نمی شکنید

شرق: ایران همچنان بر عملی‌بودن بازگشت به برجام تأکید دارد. در ادامه اخبار برجامی در روزهای نزدیک به تغییر دولت در آمریکا، رئیس‌جمهور ایران بار دیگر به‌صراحت موضع ایران درباره برجام را خطاب به رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده بیان کرد و گفت: «اگر شما به همه تعهدات خود عمل کردید، ما نیز به همه تعهدات خود عمل خواهیم کرد». نماینده ایران در سازمان ملل نیز موضع



من خویشاوند نزدیک هر انسانی هستم که...

یادداشتی از آیداشاملو (سرکیسیان)

در آینده، همچون اکنون، به‌صورت شورایی رسیدگی به اموری همچون نظارت بر چاپ و هر صورت انتشار آثار شاملو، اداره خانه‌موزه که جان گرفت، تخم‌های پرند صاحب لانه را یکی‌یکی بیرون می‌اندازد. پرند مادر که او را جوجه خود می‌پندارد برایش غذا می‌آورد و جوجه‌فاخته آن‌قدر می‌خورد تا آن‌که بزرگ‌تر از پرند صاحب لانه می‌شود؛ ولی یاز می‌ماند و می‌خورد و...

ما دوستان شاملو چه خوب می‌دانیم که او در تمام عمر تا چه حد از انحصارطلبی بیزار می‌جست!

به‌رغم تلاش‌هایی که در بیست سال پس از غیاب احمد شاملو به کار بسته‌ام، هرگز موفق نشده‌ام که هیچ مداخله و نظارتی بر روال کار و مطالب منتشرشده در سایت رسمی احمد شاملو داشته باشم؛ تا آن‌جا که حتا سایت «خانه‌موزه بامداد» که حاصل همکاری ما و تلاش داوطلبانه دوازده جوان دوستدار و علاقه‌مند به شاملو بود و در زردامنه سایت رسمی بارگذاری شده بود، پس از مدتی کوتاه بی‌هیچ اطلاع و مشورت به پنهان به‌روزرسانی نشدن، به یک اشارت یکباره از روی سایت حذف شد و ثمره همت و تلاش جمعی به‌سادگی بر باد رفت. چه کنیم، مطالبه‌گری را به ما نیاموخته‌اند.

سایت رسمی احمد شاملو چنان که از نامش پیداست می‌بایست مختص نشر آثار احمد شاملو باشد، نه تربیون شخصی یا گروهی خاص. چندسالی‌ست که حقوق و اختیارات مادی‌ام را به‌عنوان احدی از ورته به مؤسسه الف، بامداد هبه کرده و حقوق و اختیارات معنوی‌ام را به‌عنوان سرپرست آثار احمد شاملو نیز به این مؤسسه سپرده‌ام. از این رو مؤسسه

خانه بامداد

۱۳۹۹ دی ۱۷

بازگشت همه به سوی اوست

پدرم دیده به سویت نگران است هنوز / غم نادیدن تو بار گران است هنوز / آن‌قدر مهر و وفا بر همگان کردی تو نام نیکت همه‌جا ورد زبان است هنوز

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همسری مهربان، پدری دلسوز و فردی خیر، مرحوم مغفور شادروان «سرهنگ رضا امینی‌نظری» را به اطلاع اقوام و دوستان می‌رساند. به علت شرایط خاص جهانی (کرونا) مراسم خاکسپاری ایشان در خارج از کشور برقرار و انجام می‌شود.

از طرف خانواده‌های امینی‌نظری، هدایتی یاریقلی، انصاری، ارکی و امیرمظاهری



دوئل انتخاباتی بر سر کسب کرسی‌های سنا پایان یافت

سقوط ترامپ و جمهوری خواهان

گروه جهان: روزهای تلخ حزب جمهوری‌خواه با شکست «دونالد ترامپ» در انتخابات ریاست‌جمهوری پایان نیافت؛ انتخابات میان‌دوره‌ای سنا در ایالت جورجیا، اکثریت حزب جمهوری‌خواه در سنا را از بین برد و حزب دموکرات را در موقعیتی بهتر در این...

صفحه ۸

سال هجدهم • شماره ۳۹۱۰ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

آرایش نامناسب جامعه و بحران آلودگی هوا

حمزه نوذری



جامعه ایران از آرایش نامناسب بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد (بازار و صنعت) رنج می‌برد. تفاوت در توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی کشورها به آرایش مناسب بین این سه عرصه برمی‌گردد. به‌طوری‌که در کشورهای پیشرفته مدام آرایش و تعامل بین سه عرصه بازمینی و بازنگری می‌شود تا با شرایط و مقتضیات جدید همسو شود و در این تعامل برای مسائل چاره‌اندیشی می‌شود اما در کشورمان ازهم‌گسیختگی ارتباط و تعامل بین جامعه مدنی، دولت، اقتصاد و صنعت را می‌توان در مسئله آلودگی این روزهای هوا به خوبی دید. صنعت علیه جامعه و دولت درمانده و به ظاهر تعطیلی تنها راه‌حل به نظر می‌رسد. چندروزی است آلودگی هوای شهرهای پرجمعیت عرصه را بر همه تنگ کرده است. در زمانه تاخت‌وتاز ویروس کرونا، بی‌کاری، تورم و شدت‌یافتن آسیب‌های اجتماعی، هوای ناسالم قوز بالای قوز شده است. بدتر از آلودگی هوا و بحران‌ها امروزی، نینست در راه‌حل‌ها بیش از همه جامعه را ناامید کرده است. مسئولین محیط زیست معتقدند علت بحران آلودگی هوا در تولید و مصرف بیش از حد مازوت در پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌هاست. مازوت بیش از همیشه تولید شده و امکان صادرشدن آن وجود ندارد و انبارها پر شده است؛ پس سعی شده است از آن به‌عنوان سوخت نیروگاه‌ها استفاده شود که علت اصلی تشدید آلودگی هوای این روزهاست. راه‌حل در نظارت بر پالایشگاه و نیروگاه‌ها برای کاهش مصرف آن به عنوان سوخت است.

ادامه در صفحه ۹

یادداشت

کیخسرو: زایش ستاره‌ای در آسمان ایران

بدین گونه هفت سالی جهان در آزمایش بود و چون خسرو هفت ساله شد، نژاد و گوهر وجودی شه‌ریاری‌اش نمود یافت. با شاخه درخت کمان و روده کوسفند زه کمان برآورد و با چوب‌های جنگل و پیر پرندگان بیکان ساخت و به دشت برای تخنجر رفت و چون ۱۰ ساله شد، پهلوانی بلندقامت و کشیده اندام گردید و در جنگل گرگ و خرس و گراز را شکار می‌کرد و اندکان‌اندک اندیشه شکار شیر و پلنگ را داشت و روزگار به همان‌گونه‌ای سپری شد که آن آموزگار بزرگ اراده کرده بود. سرانجام شبانان محافظ خسرو نرزد بیان آمدند به شکوه که از عهده نگهداری این کودک برنمی‌آیند، زمانی به شکار آهو می‌رفت و اکنون سودای شکار شیر و پلنگ دارد، گویی برای او شیر و آهو تفاوتی نمی‌کند، بیم آن می‌رود که به او گزندگی وارد آید و قادر نباشند پیمان خویش را پاسخ دهند. پیران چون این سخنان بشنیدند به دیدار خسرو شافت و فرمان داد خسرو را نزد او آورند. چون نگاه پیران بر خسرو نشست، دلش برای سیاوش به درد آمد و او را گرم در آغوش بفشرد. خسرو به پیران گفت: «ای بزرگمرد، تا آنجا که می‌دانم تمامی توران‌زمین به نور وجود تو روشن است و راست است که تو به مهربانی شهرهای اما چه شده که شیانش‌زاده‌ای را این‌چنین در کنار می‌گیری و این آغوش سخودن را برای خود نمی‌داری؟». دل پیران به درد آمد و رخس چون آتش برافروخته شد. به خسرو گفت: «تو یادگاری از بزرگان هستی و جهانی تو را خواهد ستود. تاج شه‌ریاری زینده توست، چه کسی گفته که تو فرزند شبانان هستی، هیچ شایانی از گوهر توست نیست، در این باب مرا با تو سخن‌هاست». آن‌گاه فرمان داد برای خسرو آسایش آماده کنند و او را به جامه خسروانی بیاراست و با خود به کاخ خویش آورد، درحالی‌که روانش تحمل بار اندوهی را نداشت برای آنچه بر سیاوش گذشته بود. پیران، خسرو را در کنار خویش پیرورد و از حضور او شادمان بود. تیره شبی از سوی افروان کسی نزد پیران آمد با این پیام که به سبب حضور این کودک، کاخ، آرام و خواب ندارد و همان شبانه پیران را به نزد خود فراخواند و چون پیران به درگاه شاه توران رفت، افراسیاب از دل‌نگرانی‌های خود با پیران سخن گفت. پیران در پاسخ گفت که اندیشه بد به دل راه مده، اگرچه مهر مادری بسیار عظیم است، اما لطف پروردگار برتر از هر مهری است. از افراسیاب خواست سوگندی شاهانه ادا کند مانند سوگندی که فریدون یاد کرده بود تا آن کودک را نیازارد:

نخستین به پیمان مرا شاد کن / ز سوگند شاهان یکی یاد کن / ز پیران چون بشنید افراسیاب / سر مرد جنگی درآمد ز خواب / یکی سخت سوگند شاهانه خورد / به روز سپید و شب لاژورد / که ناید بدین کودک از من ستم / نه هرگز برو بر زخم زین دم.



عکس: سهراب تاجی، شرق

بارفتن آیت‌الله

میانه‌روی تضعیف شد

گفت‌وگو با محسن هاشمی به مناسبت سالگرد درگذشت پدر

صفحه ۲



مهدی افشار پژوهشگر

خویش، گلشهر سیرت تا در آرامش، کودک خویش را به دنیا آورد. شبی قیرکون که جهان خاموشی گزیده بود، پیران در خواب دید که سیاوش شمعی روشن در دست دارد و در روشش آن شمع او را بدید که تیغی در دست گرفته و به اوایی رسا می‌گوید: «این خواب نوشین را رها کن و به آینده کیتی بنگر که روزی نو فرا رسیده که مرا به سرزنش گفت تا کی آرام خفته‌ای. برخیز و کیخسرو زاده شده است». پیران در بستر خویش بلرزید و گلشهر را بیدار کرده، به او گفت: «برخیز و نرزد رها کن و به آینده کیتی بنگر که روزی نو فرا رسیده که مرا به سرزنش گفت تا کی آرام خفته‌ای. برخیز و به جشن کیخسروی جهانجوی برو». گلشهر نیمه‌شبان خود را به فرنگیس رساند و مادر و فرزند را در سلامتی و زیبایی کامل یافت. شادمان به نزد پیران بازگشت که از ماه، خورشیدی برآمده است، برو آن شگفتی را ببین که چگونه جهان‌آفرین، خورشید رخشان دیگری به جهان عرضه داشته، خورشیدی که به راستی زینده دهیم، غرض‌ریاری است. پیران با آگاهی از زاده‌شدن کیخسرو، اندیشه کرد که اگر دست افراسیاب به آن نوزاد رسد او را زنده نخواهد گذاشت، به‌همین‌روی به چاره‌اندیشی به نزد افراسیاب رفت و آن‌چنان سخن گفت که شاه توران آرام گیرد:

بدو گفت خورشیدفش مهنرا / جهاندار و بیدار و افسوسنگرا / به در بر یکی بنده بفزد دوش / تو گفتی ورا مایه دادست هوش با آگاهی از زاده‌شدن کیخسرو، غمی دردآگیر بر دل افراسیاب بنشست و یشیمان از آنچه با آن شاهزاده برومند ایرانی کرده بود، در پاسخ به پیران گفت: «آن‌گونه که از ستاره‌شناسان و پیشگویان شنیده‌ام از تخمه تور و کیقباد، شه‌ریاری برآید که جهان به وجود او فخر خواهد کرد و همه مردم توران او را نماز گزارند ولی جهانی را به آشوب کشد و آرام و قرار از ما دریغ دارد. اکنون هر آنچه باید واقع شده، این کودک را در خاندان خویش نگاه ندار و او را به کوهستان نزد شبانان بفرست، آن‌چنان که از نژاد خویش آگاه نکرده و هرگز نداند که نیای او من هستم و نیای دیگر، او کاووس است. بگذار با گوسپندان بزرگ شود و با خرد بیگانه بماند و از گذشته هیچ نداند». اما افراسیاب نمی‌دانست تدبیر، چاره کار نیست که تقدیر به‌گونه‌ای دیگر رقم خورده است. پیران شادمان از نزد افراسیاب بازگشت، درحالی‌که اندیشه‌های نیکو در سر می‌پروراند و در دل جهان‌آفرین را سستایش‌ها داشت و چون به کاخ خویش رسید، شبانان کوه قلا را فراخواند و درباره آن کودک خرد با آنان سخن‌ها گفت که این کودک را چون جان خویش بدارد و پیروید که مبادا باد و خاک بر او وزیدن گیرد و هر آنچه خواست از او دریغ ندارد و آن‌گاه شبانان را هدایای بسیار بداد و دایه‌ای را نیز همراه کیخسرو کرد تا او را نیکو بپرورد.